

در آمدی بر مدل بر آورد احتمال خیانت به کشور

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۰۸

مهدی حیدری*

چکیده

در حالی که در خصوص با علل و عوامل بروز جرائم به طور عام، مطالعات زیادی در ایران انجام شده، اما درباره جرم جاسوسی و خیانت به کشور کار پژوهشی چندانی صورت نگرفته است. این در حالی است که جرم جاسوسی و خیانت به کشور به دلیل ماهیت پنهانی آن و پیامدهای زیادی که بر امنیت ملی کشورها دارد، به شکل اساسی حائز اهمیت است. بر این اساس، در این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از تحقیقات انجام شده در این باره و همچنین با بهره‌گیری از ادبیات نظری در حوزه جامعه‌شناسی جرم و انحرافات اجتماعی، در خصوص به استخراج مدلی برای ارزیابی احتمال خیانت به کشور اقدام شود. مدل استخراج شده محصول استنتاج دو دسته کلی عوامل مؤثر در وقوع خیانت به کشور است: عوامل وضعیتی (انگیزشی) و عوامل موقعیتی (محیطی). استدلال نویسنده مقاله این است با بررسی این دو دسته از عوامل، می‌توان احتمال وقوع خیانت به کشور را در یک جامعه برآورد کرد. در این راستا، تعدادی شاخص راهنما برای برآورد مدل نیز معرفی شده است.

واژگان کلیدی: جاسوسی، خیانت، جرم، مدل، عوامل موقعیتی، عوامل وضعیتی.

مقدمه

خیانت به کشور یکی از انواع جرم‌های سیاسی و امنیتی است که در همه جوامع و حکومت‌ها برای آن مجازات سنگینی در نظر گرفته شده است. خیانت به کشور می‌تواند جرائم مختلفی را در بر بگیرد، اما در این پژوهش منظور از خیانت به کشور نوع خاصی از خیانت است که در اصطلاح رایج از عنوان جاسوسی برای آن استفاده می‌شود. براین اساس در این متن وقتی صحبت از خیانت یا جاسوسی به میان می‌آید منظور خیانت شهروندان به کشور خودشان از طریق همکاری با بیگانگان است^۱.

خیانت به کشور باعث می‌شود تا میلیاردها دلار به کشور ضرر رسیده و جان بسیاری از افرادی که به نفع کشور فعالیت می‌کنند از دست برود. از جانب دیگر افشای اطلاعات در نتیجه خیانت، موجب فلج شدن سیستم دفاعی و به خطر افتادن امنیت ملی می‌شود و خسارت غیرقابل محاسبه و جبران‌ناپذیری به منافع عمومی وارد می‌کند. به‌رغم اهمیت این موضوع، اما محققان، هنوز قادر به پیش‌بینی این موضوع که احتمال خیانت به کشور در یک جامعه به چه میزان است، نبوده‌اند. همچنین محققان نتوانسته‌اند انگیزه‌هایی که باعث خیانت به کشور می‌شوند را کنترل کرده و پیش‌بینی کنند که چه هنگام خیانت به کشور در شرف وقوع است (Eoyang, 1994 : 69). زیاد بودن احتمال خیانت به کشور در یک جامعه، از منظر دیگر نشان‌دهنده افزایش ضریب نفوذ بیگانگان در کشور است. به‌عبارت دیگر به میزانی که احتمال خیانت در یک جامعه بیشتر باشد به همان میزان بسترها و زمینه‌های نفوذ بیگانگان در کشور نیز مهیاتر است.

مسئله نفوذ بیگانگان یا خیانت به کشور، در جامعه ایران سابقه دیرینه داشته و نظریات متفاوتی در خصوص آن وجود دارد. در سالیان اخیر این موضوع در ادبیات داخلی و عمدتاً توسط سیاست‌گذاران راهبردی کشور مورد تأکید قرار گرفته‌است. برخی از تحلیل‌گران نقش عوامل بیگانه در شکل‌گیری تحولات و خصوصاً شکست‌ها و ناکامی‌های داخلی را به اتهام توهم

۱. مفهوم جاسوسی عموماً برای مواردی استفاده می‌شود که عامل انسانی آن (جاسوس) تبعه بیگانه باشد و در خصوص جاسوسی اتباع کشور خودی به نفع سرویس‌های بیگانه مفهوم خیانت و خائن به‌کار می‌رود (رحمدل، ۱۳۹۴). در این مقاله ضمن اذعان به این تمایز مفهومی، دو مفهوم جاسوس و خائن معادل به کار گرفته شده و منظور شهروندانی هستند که ضمن همکاری با بیگانگان به کشور خودشان خیانت می‌کنند.

توطئه طرد می‌کنند، اما انبوه شواهد تاریخی اجازه عبور ساده از کنار این موضوع را نمی‌دهد. اگرچه امروزه موضوع نفوذ و تأثیرگذاری بیگانگان در تحولات جامعه، موضوعی اساسی است، اما به جهت ماهیت پنهانی و فرایند بطنی آن کمتر درخور مطالعه و پژوهش عینی بوده است. شاید به همین علت در مطالعات و پژوهش‌های علمی داخلی به‌ندرت به این موضوع پرداخته شده و صرفاً در سطح ادبیات سیاسی روزمره باقی مانده است. با توجه به پیچیدگی و اهمیت این موضوع، مسئله اینجاست که چگونه می‌توان احتمال وقوع خیانت به کشور را کاهش داد. متأسفانه دانش علمی در این حوزه محدود است. بنابراین براساس مباحث مطرح‌شده، این مقاله در جهت پاسخگویی به سؤالات زیر سامان یافته است:

مدل برآورد احتمال خیانت به کشور چیست؟

شاخص‌های مدل ارزیابی احتمال خیانت به کشور چیست؟

ذکر این نکته در اینجا ضروری است که زمانی که از مدل برآورد احتمال خیانت به کشور سخن به میان می‌آید، منظور برآورد احتمال وقوع جاسوسی در گروه‌ها و جوامع مشخص است نه یک فرد خاص. به عبارت دیگر، در این مقاله واحد تحلیل در خردترین سطح گروه و در سطح کلان یک جامعه یا کشور را در بر می‌گیرد. از طرف دیگر در این مقاله به جای مفهوم ریسک از مفهوم احتمال وقوع استفاده شده است؛ چراکه در ارزیابی ریسک علاوه بر احتمال وقوع، پیامد تهدید در صورت وقوع نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (prunckun, 2012). حال اینکه در این مقاله صرفاً احتمال وقوع تهدید خیانت به کشور مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

الف. مرور پیشینه تحقیق

بررسی مسئله جاسوسی یا خیانت به کشور عمدتاً به پژوهش‌های صورت گرفته در ایالات متحده اشاره دارد. مطالعات انجام‌شده در خصوص پدیده جاسوسی به‌صورت کلی با سه رویکرد انجام شده است: رویکرد فردگرایانه (روان‌شناسانه)، رویکرد سازمانی، رویکرد اجتماعی. در ادامه به نتایج مهم‌ترین مطالعات در هر رویکرد اشار می‌شود.

رویکرد فردگرایانه: مطالعات در قالب رویکرد فردگرایانه عمدتاً متمرکز بر کشف انگیزه‌های جاسوسی و خیانت به کشور است. مهم‌ترین دسته‌بندی از انگیزه‌های خیانت در این مطالعات، دسته‌بندی معروف به مایس است: ایدئولوژی، پول، فشار، منیت^۱. انگیزه‌های فوق‌الذکر معمولاً ترکیبی هستند؛ یعنی فقط یک عامل در آن دخیل نیست و چند عامل دست‌به‌دست هم می‌دهند و انگیزه خیانت را شکل دهد و از فردی به فرد دیگر متفاوتند (علوم رفتاری و اطلاعات، ۱۳۹۵). از جمله مطالعاتی که با رویکرد فردگرایانه انجام شده است پژوهش‌های مرکز PERSERC است (Fischer, 2000).

رویکرد سازمانی: در رویکرد سازمانی ضمن طرح انتقاداتی به رویکرد فردگرایانه، علت خیانت به کشور در متغیرهای سازمانی جستجو می‌شود. این پژوهش‌ها که عمدتاً دارای ماهیت تبیینی هستند به دنبال آن می‌باشند که متغیرهای سازمانی مؤثر بر پدیده خیانت به کشور را معرفی کنند. واروهاکیس ضمن انتقاد از مطالعات فردگرایانه به جهت تمرکز بر سطح فردی، تأکید دارد که در مطالعه خیانت به کشور باید متغیرهای سازمانی نیز مورد توجه قرار گیرند. وی با استناد به یافته‌های مطالعات در سطح فردگرایانه اشاره می‌کند که یک‌پنجم از داوطلبان، به جهت نارضایتی از محل کار خود دست به خیانت زده‌اند. از این رو توجه به متغیرهای سطح سازمانی از اهمیت زیادی برخوردار است (Varouhaskis, 2001). تیلور نیز موضوع خیانت را از منظر اعتماد-بی‌اعتمادی و در سطح سازمانی مورد بررسی قرار داده است. تیلور با استناد به گفته سنکا، فیلسوف و دولتمرد یونانی، مبنی بر اینکه اعتماد به همه عیبی بزرگ است، درست همانند اعتماد به هیچ کس، بر نحوه ارزیابی اعتماد در سازمان و ضرورت تأسیس یک بخش حفاظتی در مقابل خیانت‌های احتمالی کارکنان در سازمان تأکید دارد (Tylor, 2007). شو^۲ و سیلر در مطالعه‌ای ضمن ترکیب عوامل فردی و سازمانی یک مدل جهت برآورد ریسک خیانت به کشور ارائه می‌کنند (shaw & sellers, 2015).

رویکرد اجتماعی: کرامر و هوئر (۲۰۰۵) نیز در مطالعه‌ای، خیانت به کشور را محصول دو دسته کلی عوامل محیطی و انگیزشی دانسته و بر این اساس روندهای اجتماعی، تکنولوژیک و

۱. مایس از سرواژه لاتین چهار عامل فوق ساخته شده است.

۲. Eric Shaw

اقتصادی را که آسیب‌پذیری ایالات متحده را در برابر خیانت شهروندان افزایش می‌دهند مورد مطالعه قرار داده‌اند. این پژوهشگران ظهور بانک‌های داده قابل جستجو، افزایش کمیت مشتریان اطلاعات، افزایش کمیت اطلاعات برای فروش، بین‌المللی‌شدن تجارت و پژوهش‌های علمی، افزایش سفر و تردد به خارج از کشور، توسعه جهانی اینترنت را از جمله عوامل محیطی ذکر می‌کنند که باعث افزایش فرصت جاسوسی گردیده است (Kramer & Heuer, 2005).

ب. چارچوب مفهومی

منظور از جاسوسی فعالیت هدایت‌شده‌ای است که هدف از آن کسب اخبار با ارزش اطلاعاتی به صورت مخفیانه و پنهان است. فعالیت جاسوسی، اقدامی غیرقانونی علیه کشور دیگر تلقی می‌شود (Watson, 1990: 75) همچنین جاسوس شخصی است که از راه غیرقانونی به تجارت اطلاعات محرمانه یا هر چیز پرارزش تحت مراقبت شدید پرداخته یا دیگران را اغوا می‌کند تا به طور سری و برخلاف منافع سازمان خودی، اطلاعاتی را در اختیار وی قرار دهند (کوپر، ۱۳۸۰: ۱۹). جاسوسی و خیانت به کشور یکی از انواع جرائم است که می‌توان جهت تبیین نظری آن از ادبیات حوزه جامعه‌شناسی جرم و انحرافات اجتماعی استفاده کرد. رویکرد زیست‌شناسانه یکی از اولین رویکردها در تبیین جرائم است. براساس رویکرد زیست‌شناسانه، علت جرم ریشه در کیفیات ذاتی و مادرزادی افراد دارد.

جرم‌شناس ایتالیایی، چزاره لامبروزو، معتقد است که از روی برخی مشخصه‌های کالبدی می‌توان گونه‌های مجرمان را شناسایی کرد. لامبروزو اگرچه می‌پذیرد که یادگیری اجتماعی می‌تواند در شکل‌گیری رفتار مجرمانه مؤثر باشد، اما معتقد است که اکثر مجرمان دچار نقصان‌های زیست‌شناختی هستند. در رویکرد روان‌شناسی به جرم نیز همانند رویکرد زیست‌شناسانه، تبیین علت کجروی در فرد جستجو می‌شود، نه در جامعه. جایی که رهیافت‌های زیست‌شناختی ظواهر جسمانی را منشأ گرایش افراد به جرم می‌دانند، دیدگاه‌های روان‌شناختی توجه خود را روی انواع شخصیت متمرکز می‌نمایند. هانس آیزنک، معتقد است که حالات ذهنی نابهنجار ارثی‌اند.

این حالات ذهنی یا فرد را به سمت جرم سوق می دهند یا مسائل و معضلاتی در فرایند اجتماعی شدن ایجاد می کنند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۹۷-۳۰۰).

برخلاف دو رویکرد فوق، در رویکرد جامعه‌شناختی هرگونه تعبیر و تفسیر رضایت‌بخش از ماهیت جرم، باید خصوصیت جامعه‌شناختی داشته باشد چراکه چیستی جرم به نهادهای اجتماعی یک جامعه بستگی دارد. براساس نظریه‌های کارکردگرایانه، جرم و کجروی ناشی از تنش ساختاری و نبود نظم و ترتیب اخلاقی در جامعه است. امیل دورکیم (نظریه آنومی) و رابرت مerton (نظریه فشار ساختاری) دو نفر از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه به شمار می‌آیند. همچنین کوهن و لوید نقش خرده فرهنگ‌های بزهکارانه را در گرایش افراد به سمت بزهکاری برجسته می‌نمایند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۰۲). همچنین جامعه‌شناسانی که جرم و کجروی را در چارچوب سنت تعامل‌گرایی مطالعه می‌کنند، کجروی را پدیده‌ای محسوب می‌کنند که به‌صورت اجتماعی برساخته می‌شود. ساترلند جرم را به چیزی ربط می‌دهد که از آن با عنوان تفاوت در همنشینی یاد می‌کند. از نظر وی افراد از طریق همنشینی با افرادی که حامل هنجارهای مجرمانه‌اند بزهکار می‌شوند. نظریات تضاد نیز علل وقوع جرم را در متن و زمینه نابرابری و منافع گروه‌های اجتماعی درک می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۰۲).

در کنار رویکردهای فوق، نظریات متأخر به‌جای تأکید بر انگیزه‌های وقوع جرم، بر فرصت و موقعیت جرم تأکید بیشتری دارند. سنگ بنای نظریه‌های کنترل این فرض است که وقوع جرم نتیجه عدم توازن میان محرک‌های فعالیت تبهکارانه و کنترل‌های اجتماعی یا فیزیکی بازدارنده آن است. این نظریه به انگیزه افراد برای ارتکاب جرم چندان علاقه و توجهی ندارد؛ در عوض فرض بر این است که مردم به‌صورت عقلانی عمل می‌کنند و اگر فرصت مساعدی دست دهد، همه مرتکب عمل کجروانه می‌شوند. برخی از نظریه‌پردازان کنترل، رشد جرائم را نتیجه شمار فزاینده فرصت‌ها و اهداف جرم در جامعه مدرن می‌دانند. بنابراین بسیاری از رهیافت‌های رسمی به پیشگیری از جرم، در واکنش به چنین تحولاتی در سال‌های اخیر توش و توان خود را صرف محدودساختن فرصت‌های ارتکاب جرم کرده‌اند که محور این خطه‌مشی‌ها ایده دشوارسازی هدف است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۱۱). همچنین براساس نظریه کنش موقعیتی، کنش افراد تابعی است از ویژگی‌های فردی و همچنین موقعیتی که در آن قرار دارند. به‌عبارت دیگر اینکه چه فردی در چه موقعیتی قرار گیرد تعیین‌کننده نوع کنش اوست (Manzo, 2014:76). براساس نظریه کوهن و

فلسون نیز برای وقوع جرم باید بین حداقل سه عامل تقارن زمانی و مکانی وجود داشته باشد: بزهکار، آماج بزه و فقدان محافظ کارآمد برای جلوگیری از وقوع بزه (حسینی و قورچی بیگی، ۱۳۹۴). هریک از نظریات فوق بخشی از حقایق مربوط به علل وقوع جرم را تبیین می‌کنند. از این رو هیچ نظریه‌ای به تنهایی برای تبیین و توضیح جرم کافی نیست و برای چنین موضوعی باید از تلفیق نظریه‌های مختلف بهره گرفت. بر همین اساسی برخی رویکردهای تلفیقی در جرم‌شناسی مطرح شده است. برای نمونه بریث ویت، برای تبیین جرم در سازمان، نظریه‌های فشار، برچسب‌زنی، خرده فرهنگ و کنترل را تلفیق و در تبیین جرم از آن استفاده می‌کند. تیتل نیز با اصلاح نظریه کنترل و ترکیب نظریه‌های هم‌نشینی، بی‌هنجاری، تضاد، کنترل اجتماعی، برچسب‌زنی، نظریه جدیدی را ارائه می‌کند (یعقوبی و آقایی، ۱۳۹۳).

همچنین نظریه‌پرداز متأخر، کلمن از طریق تلفیق کنش و نظام، بین سطوح خرد و کلان ارتباط برقرار کرده است و بر این باور است که جرائم زمانی رخ می‌دهند که فاعلان دارای انگیزه‌های مناسب با فرصت‌های جذاب مواجه می‌شوند (ریترز، ۱۳۷۴: ۶۱۳). کورت لوین نیز در تئوری تلفیقی میدان، رفتار انسانی را تابع عوامل مختلف و به هم وابسته دانسته و این عوامل را نیروهای نهفته یا نیروهای میدان می‌داند. او این عوامل را به دو گروه تقسیم می‌کند: خصوصیات شخصی، خصوصیات محیط (یعقوبی و آقایی، ۱۳۹۳: ۲۰۵). رفیع‌پور نیز معتقد است که رفتار فرد تابع خصوصیات شخصی او و خصوصیات محیط است (رفیع‌پور، ۱۳۷۴: ۵۹-۶۰). بنابراین، وقوع جرم با استفاده از دو دسته عوامل کلی (شامل عوامل انگیزشی و عوامل موقعیتی) قابل تبیین است.

انگیزه عاملی درونی است که رفتار فرد را در جهت معینی هدایت می‌کند و راهنمای او برای گزینش از میان کوشش‌های ارادی می‌شود (نایلی، ۱۳۷۳: ۱۱). محققان معتقدند که انگیزه جاسوسی نتیجه برهم کنش پیچیده بین ویژگی‌های شخصیتی و عوامل وضعیتی است (Eoyang, 1994; Sarbin, Carney, & Eoyang, 1994; Varouhaskis, 2001). اگرچه در تحلیل جاسوسی ویژگی‌های شخصیتی نیز حائز اهمیت هستند، اما به جهت اینکه سطح تحلیل این عامل سطح فردی است و کنشگران سطح فردی رفتارهای پنهان‌کارانه دارند، از این‌رو امکان برآورد مدل احتمال وقوع جاسوسی از طریق این عوامل با سهولت امکان‌پذیر نیست. می‌توان از طریق عوامل

وضعیتی تا حدود زیادی انگیزه‌های بروز جاسوسی را برآورد کرد. منظور از عوامل وضعیتی، شرایط یا وضعیتی است که از طریق ایجاد فشار بر فرد باعث تحریک انگیزه جاسوسی و خیانت در فرد می‌شود. به‌عنوان مثال ورشکستگی اقتصادی، وضعیتی است که باعث تحریک انگیزه مالی در فرد می‌شود و فرد را در وضعیت آسیب‌پذیری در برابر تهدید قرار می‌دهد. عوامل وضعیتی در مقایسه با عوامل شخصیتی در سطح سنجش فرافردی (سازمان، جامعه و...) مورد بررسی قرار می‌گیرند و از این‌رو امکان برآورد زمینه‌های جاسوسی و خیانت به کشور از طریق این عوامل با سهولت بیشتری امکان‌پذیر است.

در کنار عوامل وضعیتی (وضعیتی که باعث تحریک انگیزه جاسوسی می‌شود) عوامل موقعیتی نیز بسیار حائز اهمیت هستند. موقعیت بزهکاری عبارت از شرایطی است که در آن به تشخیص مرتکب، حداکثر فرصت و حداقل مانع برای ارتکاب جرم وجود دارد. فرصت یا فرصت‌های بزهکاری متغیرهایی هستند که خود از دو جزء آماج بزه و تسهیلات بزه تشکیل می‌شوند (Clarke, 1998: 12). منظور از آماج بزه شخص یا چیزی است که بزهکار آن را مورد تهاجم، تصاحب یا آسیب قرار می‌دهد. بنابراین آماج بزه که همان هدف مورد توجه بزهکار محسوب می‌شود اعم از یک شخص یا چیزی متعلق به یک شخص، سازمان یا نهاد است. همچنین تسهیل‌کننده‌های بزه به بزهکار در ارتکاب بزهکاری یاری می‌رسانند (حسینی و قورچی بیگی، ۱۳۹۴). در مجموع باتوجه به مباحث نظری مطرح‌شده، دلایل جرم خیانت به کشور را به شرح زیر می‌توان ترسیم کرد.

ج. مدل برآورد خیانت به کشور

مدل، رونوشت ایده، موضوع یا سیستم واقعی است. مدل‌سازی ابزار قدرتمندی جهت تحلیل در موضوعات مختلف است؛ به‌طوری که ساموئل هانتینگتون نظریه‌پرداز علوم سیاسی بیان می‌کند: «اگر قرار است درباره جهان مجدانه بیندیشیم و به‌طور مؤثر عمل کنیم، به نقشه‌ای ساده از واقعیت‌ها و نیز به تئوری و مفهوم کلی و مدل و نمونه دربردارنده مثال احتیاج خواهیم» (Clark, 2012: 70). اولین جای‌پیدایش مدل‌ها ذهن بشر است. مدل‌ها کاربرد وسیعی در رشته‌های مختلف دارند. با استفاده از مدل‌های شبیه‌سازی شده، می‌توان فرآیندهای جهان واقعی را ارزیابی کرد. با استفاده

از همین مدل‌های شبیه‌سازی شده می‌توان فرضیه‌ها را با مقدار کمی هزینه و انجام فعالیت‌های واقعی آزمایش نمود. مدل‌ها دارای انواع مختلفی هستند: ادراکی یا فیزیکی. مدل فیزیکی، مدلی است که قابل لمس است. نقشه جغرافیایی و گوی بزرگ نشان‌دهنده کره زمین، یک مدل فیزیکی است. مدل‌های ادراکی، ابداعات ذهن بشرند و لازمه فعالیت تحلیلی به شمار می‌آیند و به تحلیل‌گر کمک می‌کنند تا در زمان برآورد موقعیت‌های جاری و پیش‌بینی موقعیت‌های آتی از آنها استفاده کنند. مدل ادراکی مانند مدل فیزیکی قابل لمس و ملموس نیست؛ اگرچه ممکن است معرفهایش قابل لمس باشد (Clarke, 1998: 74).

در این مقاله مدل ارزیابی احتمال خیانت به کشور، یک مدل ادراکی است که از طریق مرور ادبیات و مطالعات نظری مرتبط بر ساخت و تولید شده است. براساس مرور ادبیات پژوهش و همچنین مرور نظریات جرم و انحرافات اجتماعی، دو بعد مدل ارزیابی احتمال خیانت به کشور عبارت است از: بعد موقعیتی و بعد وضعیتی. از ترکیب این مؤلفه‌ها می‌توان علاوه بر احتمال وقوع خیانت به کشور، نوع جاسوسی و خیانت را نیز تحلیل و برآورد نمود.



شکل ۱. مدل احتمال خیانت به کشور

براساس مدل ارائه‌شده، احتمال خیانت به کشور در شرایط و محیط‌هایی که وضعیت‌های تشدیدکننده انگیزه خیانت به کشور بالا باشد و همچنین موقعیت (فرصت و نبود موانع)

برای خیانت به کشور بالا باشد، احتمال وقوع خیانت به کشور زیاد است. بنابراین، در این شرایط لزوم برنامه‌ریزی تمهیدات نظارتی و مدیریتی برای کاهش ریسک خیانت به کشور ضروری است. به‌عنوان نمونه، در صورتی که یک سازمان (مانند سازمان انرژی اتمی) به‌دلیل مشکلات بودجه و کمبود منابع توانایی لازم برای تأمین و حمایت مالی از پرسنل را نداشته باشد، افراد بیشتر در وضعیت نیاز مالی قرار می‌گیرند و به میزان بیشتری از انگیزه مادی برخوردار خواهند شد. در این وضعیت، تنها احتمال خیانت به کشور در برابر انواع انحرافات دیگر در موقعیتی مهیاتر است که فرصت خیانت به نفع بیگانگان نیز مهیا باشد (سهولت دسترسی به اسرار و نبود مانع جدی برای انتقال آن به حریف). در صورتی که هر دو شرایط موصوف به میزان زیاد مهیا باشد، می‌توان گفت که در این وضعیت احتمال وقوع خیانت نیز زیاد است. در چنین شرایطی خیانت می‌تواند به اشکال مختلف اعم از داوطلبانه، اکراهی یا اجبار و... حادث شود.

در دو حالت دیگر نیز احتمال وقوع خیانت به کشور اگرچه نه به میزان و شدت حالت اول، وجود دارد. زمانی که عوامل وضعیتی به‌گونه‌ای باشد که افراد از انگیزه زیادی برای خیانت به کشور برخوردار شوند، ولی به‌صورت اولیه موقعیت خیانت به کشور مهیا و فراهم نباشد، ممکن است که افراد دارای انگیزه از طریق تلاش برای ایجاد موقعیت خیانت به کشور (ایجاد دسترسی به اطلاعات و حریف) مرتکب جرم خیانت به کشور شوند. این نوع از خیانت را با توجه به ماهیت آن می‌توان خیانت داوطلبانه به نفع بیگانگان تعریف کرد. در حالت دیگر، ممکن است که افراد در وضعیتی باشند که فاقد انگیزه جدی برای خیانت به کشور باشند اما موقعیت آنها به‌گونه‌ای است که در معرض آماج تهدید از جانب حریف قرار می‌گیرند. به‌عنوان نمونه، فرد متعهدی که دارای دسترسی به اطلاعات مهم در یکی از سفارتخانه‌ها در خارج کشور است، هرچند فاقد انگیزه اولیه برای خیانت به کشور است، اما در موقعیتی است که آماج تهدیدهای حریف است. در این شرایط، احتمال وقوع خیانت از نوع اکراهی و اجباری به میزان بیشتری وجود دارد. منظور از خیانت اجباری یا اکراهی، نوعی از خیانت است که فرد از روی اجبار و به‌دلیل فشار حریف مجبور به خیانت به کشور می‌شود. در حالت چهارم، به دلیل اینکه هر دو عامل موقعیتی و وضعیتی ضعیف است، احتمال وقوع خیانت به کشور پایین خواهد بود.

د. شاخص‌های راهنمای برآورد احتمال خیانت به کشور

در این بخش تلاش شده است به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه و بر مبنای کدام شاخص‌ها و یا علائم می‌توان احتمال خیانت به کشور را برآورد و ارزیابی کرد؟ برای این منظور، با مرور ادبیات موجود و همچنین از طریق برگزاری پنل خبرگی با کارشناسان حوزه مسائل راهبردی^۱، شاخص‌های برآورد مدل به شرح زیر احصا شده است.

۱. شاخص‌های وضعیتی (انگیزی)

۱-۱. عوامل وضعیتی در سطح فردی

انگیزه‌هایی که باعث می‌شود افراد مرتکب جرم خیانت به کشور شوند متنوع هستند. برخی از این انگیزه‌ها ریشه در ویژگی‌های شخصیتی افراد دارد. این ویژگی‌ها را می‌توان به صورت کلی ذیل چهار دسته ویژگی‌های اعتقادی، مادی، ترس و فشار و شخصی دسته‌بندی کرد. منظور از ویژگی‌های اعتقادی نوع نگرش سیاسی، مذهبی و قومی است که می‌تواند باعث می‌شود فرد از انگیزه خیانت به کشور برخوردار شود. به‌عنوان نمونه شکاف سیاسی با حاکمیت و هم‌گرایی قومی فرد با بیگانگان می‌تواند یکی از انگیزه‌های افراد جهت ارتکاب جرم خیانت به کشور باشد. خودباختگی و شیفتگی به فرهنگ بیگانه نیز از جمله دیگر عوامل اعتقادی است که می‌تواند زمینه‌ساز خیانت به کشور شود. از نظر ویپل، هرچند نگرش مثبت فرد به کشور هدف لزوماً منجر به خیانت به کشور نمی‌شود، ولی این نوع نگرش به‌جای نگرش منفی و مخاصمت‌جویانه، قطعاً نقطه شروع بهتری برای ارتباط و طی فرایند خیانت است (WIPPL, 2012:600). ویپنکلر نیز معتقد است سرویس‌های اطلاعاتی افرادی را استخدام می‌کنند که با آنها عقاید مشترکی داشته باشند و در مجموع با آنها احساس دوستی و نزدیکی کنند سپس در مراحل بعد از طریق حمایت مادی و عقیدتی تلاش می‌کنند تا آنان را تثبیت کنند (ویپنکلر، ۱۳۸۸: ۳۴). کرامر و هوئر در مطالعه آسیب‌پذیری‌های آمریکا در برابر جاسوسی شهروندان این کشور، احساس تعلق به کشورهای خارجی را به‌عنوان یکی از عواملی می‌دانند که می‌تواند بستر خیانت به کشور را فراهم کند. این

۱. برای این منظور یک جلسه خبرگی با حضور پنج نفر از کارشناسان مسائل راهبردی (سه نفر دارای تحصیلات دکتری و دو نفر دانشجوی دکتری) تشکیل و شاخص‌های برآورد مدل از این طریق احصا گردیده است.

نویسندگان استدلال می‌کنند که پیوندهای عاطفی شهروندان آمریکا با کشورهای خارجی، افراد را در وضعیت مناسب‌تری قرار می‌دهد تا اطلاعات و اخباری را که از طرق مختلف به دست می‌آورند در اختیار سرویس‌های بیگانه قرار دهند (Kramer & Heuer, 2005).

در سطح فردی، انگیزه‌های مادی یکی از رایج‌ترین انگیزه‌ها خیانت به کشور به حساب می‌آیند. براساس بررسی‌های انجام‌شده بر روی پرونده جواسیس در کشورهای مختلف، انگیزه مالی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های خیانت به کشور بوده است. اگرچه سنجش و ارزیابی نیاز به پول و مادیات در افراد مختلف امری درونی و پیچیده است، اما به صورت کلی در وضعیت‌های مشخصی نیاز افراد به مادیات و به صورت خاص پول مضاعف است. در وضعیتی که افراد با بحران‌ها و شکست‌های مالی مواجه می‌شوند انگیزه مالی، به صورت فزاینده‌ای تحت تأثیر قرار گرفته و از این رو در چنین وضعیتی افرادی در برابر محرکهایی که انگیزه مادی آنان را پاسخ دهد آسیب‌پذیر خواهند بود. براین اساس می‌توان استدلال کرد به میزانی که در یک جامعه چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی، شامل ورشکستگی، شکست مالی و... بیشتر باشد، افراد آن جامعه نیز بیشتر در معرض محرکهایی که نیاز مالی آنان را پاسخ گوید آسیب‌پذیر خواهند بود. علاوه بر انگیزه‌های ذکرشده در سطح فردی، خیانت به کشور به جهت ترس و فشار (به رغم میل باطنی) و انگیزه‌هایی همچون حس ماجراجویی و... نیز می‌تواند در سطح فردی بر خیانت افراد به کشور مؤثر واقع شود.

جدول ۱. انگیزه‌های خیانت به کشور در سطح فردی

نوع	بعد	ردیف
مذهبی	اعتقادی	۱
سیاسی		
قومی و ملی		
خودباختگی و شیفتگی به فرهنگ بیگانه	مادی	۲
کسب پول و درآمد		
تسهیلات اداری		
جاه‌طلبی و زیاده‌خواهی	ترس و فشار	۳
شانناز و تهدید	شخصی	۴
ماجراجویی		
انتقام‌جویی و تنفر		
جبران گذشته		
عشق و دلدادگی		

۲-۱. عوامل سطح سازمانی

براساس یافته‌های واروه‌اکیس یک‌پنجم از داوطلبان به جهت نارضایتی از محل کار خود دست به خیانت زده‌اند (Varouhaskis, 2001). نارضایتی سازمانی که محصول آن کاهش وفاداری سازمانی است یکی از عوامل تعیین‌کننده و محرک انگیزه خیانت به کشور است. کاهش وفاداری سازمانی که محصول مدیریت نامناسب سازمانی است و عمدتاً از طریق تجربه احساس تبعیض و بی‌عدالتی در سازمان ایجاد می‌شود به‌عنوان یک محرک انگیزه‌ای قوی برای خیانت به کشور است. بنابراین در سازمان‌ها یا جوامعی که احساس تبعیض و بی‌عدالتی بالا باشد به‌صورت بالقوه می‌توان استدلال کرد که در این جوامع در صورت مهیا بودن سایر شرایط (فرصت) احتمال خیانت به کشور نیز زیاد خواهد بود. احساس تبعیض و بی‌عدالتی به‌عنوان یک متغیر بسیار مهم از طریق تحریک انگیزه انتقام‌جویی در افراد بعضاً باعث می‌شود که فرد به‌صورت داوطلبانه و با هدف انتقام‌جویی از فرد، سازمان یا کشور عمل خیانت به کشور و جاسوسی به نفع بیگانگان را انتخاب نماید. براین اساس شاخص‌هایی همچون احساس بی‌عدالتی و تبعیض، بی‌وفایی سازمانی، سیاست‌زدگی، شایسته‌سالاری، فقدان هویت سازمانی و ... می‌توانند در برآورد احتمال وقوع خیانت به کشور کمک نمایند.

جدول ۲. عوامل سازمانی مؤثر بر انگیزه خیانت به کشور

ردیف	نوع
۱	تبعیض سازمانی
۲	سیاست‌زدگی
۳	شایسته‌سالاری
۴	فقدان هویت سازمانی

۳-۱. عوامل محیطی

در کنار عوامل فردی و سازمانی، برخی دیگر از عوامل ایجادکننده انگیزه خیانت به کشور ریشه در شرایط و وضعیت محیطی (محیط فراسازمانی) دارد. در جوامعی که هزینه خیانت به کشور به نسبت آورده خیانت به کشور کمتر باشد، طبیعتاً انگیزه‌های بیشتری برای خیانت وجود دارد. اقتصاددانان کلاسیک انسان‌ها را به‌عنوان جستجوگران منطقی که به‌دنبال حداکثرکردن سود

خویش هستند، می‌شناسند (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۳). نتیجه پذیرش این اصل این است که آدمیان در چندراهی‌ها، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند و پس از بررسی ادله موافق و مخالف به راهی می‌روند (لیتل، ۱۳۷۳، ص ۶۵). براساس این اصل اگر هزینه‌های خیانت به کشور در یک نهاد یا جامعه زیاد باشد و به عبارت دیگر محاسبه هزینه‌های خیانت به کشور در قبال یافته‌های حاصل از آن فرد زیاد باشد بر اساس رویکرد انتخاب عاقلانه و مبتنی بر عقلانیت کلاسیک کنشگران از انجام این اقدامات پرهیز می‌کنند، حال اینکه اگر هزینه خیانت به کشور در برابر یافته‌های حاصل از خیانت کمتر باشد می‌توان ارزیابی کرد که ریسک خیانت در آن جامعه بیشتر است. کشف هزینه‌های جاسوسی و خیانت به کشور از طریق محاسبه مادی هزینه و فایده خیانت به کشور امکان‌پذیر است. هزینه خیانت به کشور از طریق میزان جزای در نظر گرفته شده برای خیانت در کشور، نوع نگاه اجتماعی به خائنین به کشور (قیح خیانت از منظر اجتماعی) امکان‌پذیر است و همچنین فایده‌های خیانت از طریق محاسبه میزان پاداش دریافتی خائنین در ازای خیانت آنها درخور محاسبه است.

یکی دیگر از وضعیت‌هایی که به صورت بالقوه انگیزه جاسوسی و خیانت به کشور را فراهم می‌کند، وجود شکاف و چندپارگی در جوامع است. شکاف‌های اجتماعی و به صورت خاص شکاف‌های قومی، مذهبی و سیاسی یکی از وضعیت‌هایی است که می‌تواند باعث ایجاد انگیزه جاسوسی و خیانت به کشور شود. رقابت و منازعه بر سر کسب منافع در جوامع و نهادهایی که در آنها شکاف اجتماعی و فرهنگی وجود دارد به نسبت جوامع یک‌دست و یکپارچه به مراتب بیشتر است. منازعه و اختلاف بین گروه‌های مختلف داخلی بر سر منابع محدود باعث می‌شود که هر طرف به منظور پیشینه‌سازی منافع خود، امکانات و ابزارهای مختلفی را جهت برخورداری بیشتر از منابع بسیج نماید. در این کارزار کشور یا یک گروه خارجی نیز به عنوان یک فرصت یا تهدید برای گروه‌ها یا افراد داخلی تعریف می‌شود. عموماً در رقابت بین گروه‌های داخلی، در صورتی که یک گروه در موقعیت ضعیف‌تری قرار داشته باشد در این شرایط تلاش می‌کند تا کشور یا گروه خارجی را به عنوان یک فرصت تعریف و از طریق جلب پشتیبانی او جبران ضعف‌های خود در رقابت داخلی را فراهم کند. بر این اساس به صورت کلی می‌توان میزان و تنوع شکاف‌های مختلف اجتماعی در جوامع را به عنوان یکی از شاخص‌های فزاینده احتمال وقوع خیانت به کشور در نظر

درآمدی بر مدل برآورد احتمال خیانت به کشور ۴۳

گرفت. براین اساس به میزانی که در یک جامعه شکاف‌های اجتماعی متنوع‌تر و متراکم‌تر باشد، در آن جامعه انگیزه خیانت به کشور نیز مساعدتر خواهد بود.

جدول ۳. عوامل محیطی مؤثر بر انگیزه خیانت به کشور

ردیف	ابعاد
۱	هزینه‌های مادی و معنوی خیانت به کشور (جرم‌انگاری خیانت به کشور)
۲	تشدید شکاف‌های قومی، مذهبی و سیاسی
۳	بی‌ثباتی سیاسی
۴	تحریم و مشکلات اقتصادی

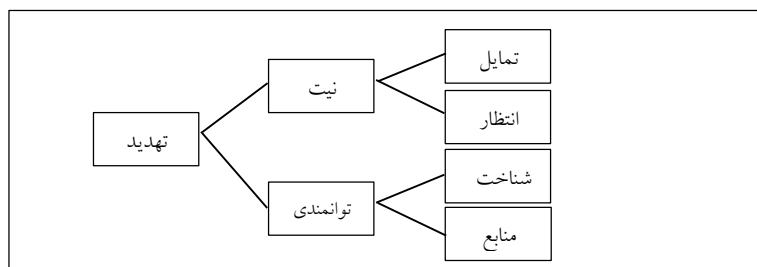
۲. عوامل موقعیتی (فرصتی)

جهت ارزیابی عوامل موقعیتی (فرصتی) باید به دو مؤلفه اصلی توجه شود. این دو مؤلفه عبارت‌اند از: مشتریان اطلاعات که در اصطلاح تخصصی از عنوان فریب برای آن استفاده می‌شود و مؤلفه دوم عبارت است از ظرفیت خیانت. در زیر این دو مؤلفه تشریح شده‌اند:

۱-۲. مشتریان اطلاعات

اطلاعات باعث افزایش مزیت رقابتی، رقبا جهت کسب منابع و منافع است. بنابراین سازمان‌های اطلاعاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان سیاسی دولت‌ها، به‌دنبال اطلاعاتی هستند که در رقابت با حریف باعث افزایش قدرت رقابتی دولت متبوعشان شوند. بر این اساس جهت برآورد احتمال وقوع خیانت به کشور، بررسی مشتریان اطلاعات و نوع نیازمندی‌های آنها به اطلاعات نیز ضروری است. در این راستا توجه به مؤلفه میزان جذابیت اطلاعات از منظر حریف حائز اهمیت است. در اینجا منظور از جذابیت اطلاعات، میزان ارزش و اهمیت (مادی یا نمادین) دسترسی به اطلاعات برای حریف است. به‌عبارت دیگر به میزانی که یک دارایی (شامل اطلاعات طبقه‌بندی‌شده) از جانب حریف‌های متعددی جذاب تلقی شود، آماج تهدیدات بیشتری خواهد بود و از این رو می‌توان گفت که احتمال وقوع خیانت به کشور و جاسوسی نیز در چنین موقعیت‌هایی بیشتر خواهد بود.

اساساً تهدید تصمیم یک شخص برای آسیب‌رساندن به دیگری است. تهدید ناشی از یک مرجع تهدید است که می‌تواند شامل فرد، سازمان یا دولت باشد. در موضوع خیانت به کشور، مرجع تهدید ناظر بر سازمان‌های اطلاعاتی دولت‌های رقیب، سازمان‌های سیاسی یا امنیتی و افراد است. ارزیابی یک مرجع تهدید، مستلزم برآورد نیت و توانایی آسیب‌رساندن از سوی اوست. ارزیابی نیت و توانایی مرجع تهدید نیازمند مشخص کردن دو مؤلفه درباره هر کدام از این دو متغیر است که در نمودار زیر نشان داده شده است:



شکل ۲. ارزیابی نیت و توانایی تهدید

بدین ترتیب تهدید را می‌توان از طریق معادله زیر محاسبه کرد:

$$\text{تهدید} = (\text{تمایل} + \text{انتظار}) + (\text{شناخت} + \text{منابع})$$

در بررسی نیت و توانایی، تمایل را می‌توان به مثابه خواسته درونی مرجع تهدید برای آسیب‌رسانی در راستای دستیابی به اهدافش تعریف کرد. به عنوان مثال رژیم صهیونیستی به عنوان یک مرجع تهدید اطلاعاتی علیه جمهوری اسلامی ایران، دارای نیت به شدت قوی جهت آسیب‌رساندن به کشور است. انتظار نیز اطمینان مرجع تهدید به دستیابی به اهداف تعیین شده‌اش است. منظور از شناخت، داشتن اطلاعات و آگاهی لازم برای دستیابی به اهداف مدنظر مرجع تهدید است و منابع نیز شامل مهارت‌ها (تجربه) و مواد لازم برای عملیاتی کردن است (prunckun, 2012:100). در جدول زیر معیارهای ارزیابی حریف در احتمال خیانت به کشور آورده شده است:

جدول ۴. معیارهای ارزیابی حریف

ردیف	ابعاد
۱	تعداد و تنوع مشتریان
۲	میزان تبادل و همکاری بین مشتریان
۳	شدت خصومت حریف (دوست، رقیب، دشمن)
۴	میزان توانمندی مالی و تخصصی
۵	موقعیت جغرافیایی (همسایه، هم منطقه و فرامنطقه)

۲-۲. ظرفیت خیانت

برای بررسی ظرفیت خیانت به کشور، دو زیرمؤلفه دسترسی و قابلیت و همچنین ارتباط با مشتری حائز اهمیت است:

سهولت دسترسی و جمع‌آوری اطلاعات: علاوه بر شدت و حدت تهدید علیه دارایی‌های حساس، مؤلفه دیگر در برآورد احتمال وقوع خیانت به کشور، سهولت دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز حریف است. در این مؤلفه در واقع به‌جای تمرکز بر حریف، تمرکز بر درون سیستم خودی است که از آن با عنوان آسیب‌پذیری یاد می‌شود. آسیب‌پذیری ضعف سرمایه‌های مادی و معنوی است که می‌تواند از سوی یک مرجع تهدید مورد بهره‌برداری قرار گیرد (Prunckun, 2012:99). در اینجا مؤلفه سادگی نفوذ و نبود موانع مزاحم جهت جمع‌آوری اطلاعات توسط عامل نفوذی بسیار حایز اهمیت است. بنابراین برای بررسی این متغیر توجه به شاخص‌هایی همچون حیطه‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات، کنترل دقیق دسترسی افراد به اطلاعات و... حائز اهمیت فراوان است.

مهیابودن بستر ارتباط با مشتریان: عملی شدن خیانت به کشور مستلزم ایجاد ارتباط بین فرد خائن (قربانی) و مشتری اطلاعات است. ایجاد این ارتباط از چند منظر حائز اهمیت است. اول اینکه، ایجاد توافق بین مشتری اطلاعات و خائن (فرد داخلی جمع‌آوری‌کننده اطلاعات) مستلزم ارتباط بین طرفین است. تا زمانی که مشتری اطلاعات از توان جمع‌آوری‌کننده اطلاعات در جهت تأمین اطلاعات اطمینان حاصل نکرده باشد و همچنین جمع‌آوری‌کننده از مشتری اطلاعات

اطمینان حاصل نکرده باشد، عمل خیانت منتفی است. در گام دوم فرایند جمع‌آوری و انتقال اطلاعات به مشتری و همچنین دریافت حمایت و پشتیبانی از حریف نیز مستلزم ارتباط طرفین است. بر این اساس در صورتی که ارتباط بین مشتری اطلاعات و جمع‌آوری‌کننده اطلاعات (مشتری) برقرار نشود، عملاً تحقق خیانت به کشور میسر نخواهد بود. بنابراین برای بررسی و برآورد احتمال وقوع خیانت به کشور، بررسی بسترهای ارتباط با حریف به‌عنوان یک عامل موقعیتی حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال افرادی که به خارج از کشور تردد دارند از این منظر در موقعیت مساعدتری جهت خیانت به نفع حریف هستند یا در جوامع یا نهادهایی که میزان تردد به خارج از کشور یا دیگر اشکال ارتباط با بیگانگان مهیا باشد، احتمال خیانت نیز در صورت وجود سایر شرایط ذکرشده مهیاتر خواهد بود. در جدول صفحه بعد، خلاصه ابعاد و مؤلفه‌های مدل برآورد احتمال خیانت به کشور آورده شده است:

جدول ۵. مدل برآورد احتمال خیانت به کشور

مؤلفه	ابعاد	معرفها	
مدل برآورد احتمال خیانت به کشور عوامل وضعیتی (انگیزشی)	فردی	اعتقادی	مذهبی
			سیاسی
			قومی و ملی
			خودباختگی و شیفتگی به فرهنگ بیگانه
	فردی	مادی	کسب پول و درآمد
			تسهیلات اداری
			جاه‌طلبی و زیاده‌خواهی
	فردی	ترس و فشار	شانناژ و تهدید
			ماجراجویی
			انتقام‌جویی و تنفر
	سازمانی	شخصی	جبران گذشته
			عشق و دلدادگی
			تبعیض سازمانی
			سیاست‌زدگی
			عدم شایسته‌سالاری
سازمانی	سازمانی	نارضایتی سازمانی	
		فقدان هویت سازمانی	
		هزینه‌های مادی و معنوی خیانت به کشور (جرم‌نگاری خیانت به کشور)	

تشدید شکاف‌های قومی، مذهبی و سیاسی	محیطی	عوامل موقعیتی (نوعی)
بی ثباتی سیاسی		
تحریم و مشکلات اقتصادی		
تعداد و تنوع حریفان	مشتریان اطلاعات (حریف)	
میزان تبادل و همکاری بین حریفان		
شدت خصومت حریف (دوست، رقیب، دشمن)		
میزان توانمندی مالی حریف		
میزان توانمندی تخصصی حریف		
موقعیت جغرافیایی حریف (همسایه، هم منطقه و فرامنطقه)	دسترسی و قابلیت	
ضعف حیطه‌بندی در سازمان		
اشتغال در مراکز حساس		
امنیت شبکه‌ها و امکان نفوذ و دسترسی به اطلاعات		
رعایت اصول کنترلی جهت دسترسی به اطلاعات	ظرفیت خیانت	
میزان شیوع ترددات و مراودات علمی و تجاری با خارج از کشور		
میزان ترددات و مسافرت‌های شهروندان به خارج از کشور		
ضریب نفوذ اینترنت در جامعه		
میزان تردد اتباع خارجی به کشور		
وجود نهادها و نمایندگی‌های خارجی در محیط (سفارتخانه و...)		
داشتن مرز مشترک با کشورهای خارج		

نتیجه‌گیری

خیانت شهروندان به کشور، یکی از موضوعات مهم و کلیدی است که به‌رغم اهمیت آن اما در ادبیات علمی کمتر به آن پرداخته شده است. این خلأ مطالعاتی و پژوهشی در مطالعات داخلی به‌صورت دوچندان احساس می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم این موضوع، دسترسی نداشتن پژوهشگران به داده‌های تجربی در این ارتباط است. به هر صورت خیانت به کشور مسئله‌ای واقعی است که در جوامع و کشورهایی که با تهدیدات خارجی بیشتری مواجه هستند، برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران راهبردی، ملموس‌تر است. بر این اساس برآورد احتمال خیانت به کشور و در ادامه ارزیابی ریسک خیانت به کشور در این جوامع دارای ارزش و اهمیتی خاص برای تصمیم‌سازان است.

براساس این ضرورت، در مقاله حاضر با بهره‌گیری از مطالعات انجام‌شده در این حوزه و همچنین بهره‌گیری از ادبیات تئوریک تولیدشده در حوزه جامعه‌شناسی جرم و انحرافات اجتماعی، یک مدل جهت برآورد احتمال خیانت به کشور معرفی شد. استدلال گردیده است که احتمال جرم خیانت به کشور را می‌توان از طریق دو دسته عوامل وضعیتی (انگیزشی) و عوامل موقعیتی (فرصتی) در جامعه برآورد و ارزیابی کرد و در ادامه برخی از علائم (معرف‌ها) جهت برآورد عینی مدل پیشنهاد گردید.

در خصوص با اهمیت این مدل باید گفت که علاوه بر اینکه مدل مزبور می‌تواند در شناسایی و برآورد احتمال خیانت به کشور در جامعه مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند در زمینه پیشگیری از خیانت به کشور نیز مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر در صورتی که بنا باشد در یک سازمان تمهیدات پیشگیرانه از خیانت به کشور اعمال شود، براساس این مدل، منابع، فعالیت‌ها و اقدامات باید مصروف به مدیریت دو دسته عوامل وضعیتی (انگیزشی) و عوامل موقعیتی (فرصتی) شوند تا از این طریق از خیانت به کشور پیشگیری به عمل آید.

در این راستا اگرچه مدیریت عوامل وضعیتی (انگیزشی) با سختی و محدودیت‌های بیشتری امکان‌پذیر است اما توجه به عوامل موقعیتی جهت پیشگیری از خیانت با سهولت بیشتری امکان‌پذیر است. بر این اساس به‌عنوان یک توصیه راهبردی، لازم است تلاش‌ها و بیشتر امکانات معطوف به عوامل موقعیتی برنامه‌ریزی شود تا فرصت خیانت به کشور را برای افرادی که به هر دلیل از انگیزه خیانت به کشور برخوردار شده‌اند به حداقل برساند. در این راستا توصیه‌های زیر مطرح است:

- اجرای طرح طبقه‌بندی و حیطة‌بندی در سازمان‌ها و نهادهای حساس و مهم و دقت لازم در اجرای قواعد و مقررات مربوطه؛
- ایجاد رویه‌ها، محدودیت‌ها و کنترل‌های لازم جهت دسترسی افراد به اطلاعات حساس و طبقه‌بندی‌شده؛
- شناسایی و رتبه‌بندی مراکز، نهادها و پست‌های کلیدی و حساس از منظر ضداطلاعاتی و تدوین دستورالعمل تعیین صلاحیت برای رده‌های مزبور؛

- توجه و آموزش حراست‌های نهادهای دولتی و عمومی درخصوص شیوه و شگردهای فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه در جذب و به‌کارگیری عوامل انسانی؛
- اجرای برنامه‌های مستمر توجه و آگاه‌سازی ضداطلاعاتی درخصوص پرسنل نهادهای حساس و دارای اطلاعات طبقه‌بندی شده؛
- گفتنی است که برنامه‌های توجیهی در پیشگیری از جاسوسی و خیانت به کشور صرفاً در محیط‌هایی از کارایی لازم برخوردار است که عوامل انگیزشی (وضعیتی) مساعد خیانت ضعیف باشد (چارک سوم نمودار ص ۱۲) چراکه توجه و آگاه‌سازی در محیط‌هایی که در آنجا انگیزه خیانت زیاد باشد، می‌تواند به زد آن تبدیل شده و کارکرد معکوس داشته باشد. در چنین موقعیت‌های تمهید برنامه‌های پیشگیرانه بر برنامه‌های آگاه‌سازی اولویت دارد.

منابع

- حسینی، محمد و قورچی بیگی، مجید (۱۳۹۴). تحلیل بزه دیده‌شناختی جرایم یقه‌سفیدها، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۱۰.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۴). جاسوسی و خیانت، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، دوره ۸، شماره ۲۸.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۴). جامعه روستایی و نیازهای آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. [تهران]: انتشارات علمی.
- علوم رفتاری و اطلاعات (۱۳۹۵). تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- کوپر، رولس ورلینجر (۱۳۸۰). تربیت جاسوسان: معاونت پژوهشی دانشکده اطلاعات. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی. [تهران]: نی.
- لینل، دانیل (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی. موسسه فرهنگی صراط.
- نایلی، محمدعلی (۱۳۷۴) انگیزش در سازمان‌ها. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- وینکلر، ایرا (۱۳۸۸). جاسوسان در میان ما، معاونت پژوهشی دانشکده اطلاعات.
- یعقوبی، علی و آقایی، جان‌احمد (۱۳۹۳). رویکردهای جرم‌شناسی جرائم یقه سفیدها، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۲.

- Clark, r. m. (2012) **Intelligence Analysis: a Target-centric Approach**, losangeles: cqpress.
- Clarke, M. (1998) **Business crime: Its Nature and Control**, New York: St.Martin's Press.
- Eoyang, C. (1994) **Models of Spionage**, In: Theodore Sarbin, Ralph M. Carney & Carson Eoyang, **Citizen Espionage: Studies in Trust and Betrayal**, Greenwood Publishing Group.
- Fischer, I. f. (2000) **Espionage: Why Des it Happen?** Newyork: Department of Defence Security Institution
- Kramer, L. A., & Heuer, R. j. (2005) **Technological, Social, and Economic Trends That AreIncreasing U.S. Vulnerability to Insider Espionage**, Defense Personnel Security Research Center.
- Lee, y. (2012). Punishing Disloyalty? Treason, Espionage and Transgression of Political Boundries, **Law and Philosophy**, Vol. 31.

- Manzo, g. (2014) **Analytical Sociology: Action and Networks**, West Sussex: John Wiley & Sons.
- Michalak, S. (2011) **Motives of Espionage Against Ones Own Country in the Light of Idiographic**, Polish Psychological Bulletin.
- Prunckun, h. (2012) **Counterintelligence: Theory and Practiced**, united kingdem: Rowman&littlefield Publishrs.
- Sarbin, T, Carney, R. M., & Eoyang, C. (1994) **Citizen Espionage: Sudies in Trust and Betrayal**, london: Westport..
- Shaw, e., & Sellers, l. (2015) Application of the Critical-path Method to Evaluate Insider Risks, **Studies in Intellence**, Vol 59, No. 2.
- Tylor, S. A. (2007) Defenitions and Theories of Counterintelligence, In: L. K. Johnson, **Strategic Intelligence-Counterintelligence and Counterterrorism: Defending Nation Against Hostile Forces**, Westport: Praeger Security International.
- Varouhaskis, M (2001) An Institution-Level Theoretical Approach for Counterintelligence, **International Journal of Intelligence and CounterIntelligence**, Vol. 24, No. 3.
- Watson, B. (1990) **United States Intelligence:An Encyclopedia**, New York & London: Garland Publishing INC.
- Wipl, J. W. (2012) The Qualities That Make a Great Case Officer, **International Journal of Intelligence and Counter Intelligence**, Vol. 25, No. 3.